

## بررسی میزان تأثیرپذیری شهریار از اشعار ایرج میرزا بر اساس نظریه بینامتنیت ژولیا کریستوا

نازنین احسانی

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه‌های آموزشی، پردیس شهیدباهنر و پردیس امام سجاد<sup>(ع)</sup>، بیرجند، ایران. رایانامه:

[nazaninehsani\\_190@yahoo.com](mailto:nazaninehsani_190@yahoo.com)

اطلاعات مقاله (۶۵-۴۷)	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	ایرج میرزا با جسارتی هنرمندانه، اصول شعر را در سطوح مختلف زبانی و محتوایی دگرگون کرده و فضایی خاص در شعر ایجاد نموده است که می‌توان تأثیر این دگرگونی را در شعر شاعران بعد او، از جمله محمدتقی بهجت (شهریار) مشاهده کرد. با توجه به اهمیت شهریار به عنوان یکی از شاعران برجسته دوره معاصر و ایرج میرزا به عنوان یکی از شاعران مشهور عصر مشروطه، بررسی دیوان شعری این دو شاعر بزرگ جهت کشف ویژگی‌های مشترک زبانی و محتوایی اشعار ایشان بسیار اهمیت دارد و هدف از این پژوهش بررسی میزان تأثیرپذیری شهریار از ایرج میرزا بر اساس نظریه بینامتنیت ژولیا کریستوا با توجه به مشترکات زبانی و محتوایی، به روش تحلیلی - توصیفی است. در نتیجه مشخص گردید به لحاظ محتوایی، غزلیات شهریار بیشتر دارای محتوای دینی است و با توجه به این امر اشتراک قابل توجهی در شعر دو شاعر از نظر محتوا وجود ندارد؛ اما در حوزه واژه‌ها، ترکیبات عامیانه و در برخی موارد شیوه بیان اشتراکاتی را نشان می‌دهد.
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۳/۰۲/۰۴	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۳/۰۴/۳۰	
واژه‌های کلیدی:	
شاعران معاصر	
شعر نو	
شعر مشروطه	
زبان	
محتوا	

## ۱. مقدمه

بینامتنیت به معنای شکل‌گیری متن توسط متون دیگر است. این شکل‌گیری می‌تواند زبانی باشد یا محتوایی و البته می‌تواند به صورت برداشتن مطالبی از یک متن یا تغییر متن دیگر توسط مولف باشد. بینامتنیت دارای سه رکن اصلی است: متن پنهان، متن حاضر و روابط بین متنی. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، روابط بین متنی نام دارد و مهم‌ترین رکن نظریه بین متنی در تفسیر متون، به شمار می‌رود. حضور متن پنهان در متن حاضر و کشف نشانه‌ها و آثار متن پنهان در متن حاضر مهم‌ترین هدف بینامتنیت است؛ چرا که بینامتنیت مطالعه و بررسی روابط موجود میان متن حاضر و متون دیگر است. به طوری که خواننده را در درک عمیق تر و فهم بهتر یاری می‌رساند. (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۵۹-۱۶۰)

بینامتنی به شکلی به شکل یافتن متن جدید، بر اساس متون معاصر یا قبلی است؛ به طوری که متن جدید فشردۀ تعدادی از متون است که مرز بین آنها محو شده و ساختارش به شکلی تازه شده است که از متون قبلی فقط درون مایه آن باقی مانده باشد و اصل آن در متن جدید پنهان شده و تنها افراد خبره توان تشخیص آن را داشته باشند. (عربی و غلامی، ۱۴۰۰) در این نظریه، هر سخن با سخن‌های پیشین که موضوع مشترکی داشته باشد و با سخن‌های آینده که به یک معنا پیشگویی و واکنش به آنهاست، گفتگو می‌کند. (احمدی، ۱۳۷۲: ۹۳) به نظر کریستوا حداقل یک معنای فرا متنی را می‌توان از این ارتباطها به دست آورد. بنابراین خواننده می‌کوشد با یافتن روابط بین متنی معانی نهفته را بررسی کند. از این رو معنای هر متن ادبی، مستقل و وابسته به تاریخ و سنت ادبیات و متون ادبی و غیر ادبی است که آن متن در بافت آنها شکل گرفته است. (سبزیان، ۱۳۸۷: ۶۷)

با توجه به نظریات فوق و با در نظر گرفتن نظر کریستوا در این حوزه می‌توان گفت نویسندگان و خوانندگان با جدا کردن بینا متن‌ها از مرزهای نشانه‌ای خود و وارد کردن آن در قلمرو نشانه‌های دیگر، امکان خوانش‌های متفاوت را فراهم می‌آورند.

سرودن شعر از سوی ایرج میرزا، بیشتر جنبه تفنن و مطایبه دوستانه داشته و شاعری شغل و حرفه او نبوده است. آراین پور در کتاب «از صبا تا نیما» می‌گوید: «در حقیقت، دوره شاعری و شهرت ایرج، ۱۰ سال پایانی عمر اوست که در آن طرز خاصی از شعر را به وجود آورده و چنان در سادگی زبان شعر از خود هنرمندی نشان داده که گاه در نثر هم نمی‌توان تا آن درجه سادگی به کار برد.» (آراین پور، ۱۳۸۲: ۳۹۱)

سید هادی حائری در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «ایرج، مدیریت ماهنامه ورقه را بر عهده گرفت و در ۱۹ سالگی لقب صدرالشعرا را گرفت، لیکن به زودی از شاعری دربار

کناره گرفت و به مشاغل دولتی پرداخت. (حائری، ۱۳۶۶: ۳۷) لقب صدرالشعرايي زمانی متعلق به پدر او بود. اغلب اشعار ایرج میرزا دارای مضامین انتقادی، اجتماعی، احساسی و تربیتی است. او به راحتی و با زبان طنز، رسوم غلط جامعه را مورد نقد قرار می‌داد.

لطف سخن او، چیرگی بی‌نظیرش در سرودن شعر به دو زبان فارسی و ترکی آذری است. او در سرودن انواع شعر در قالب‌های غزل، قصیده، مثنوی، قطعه و شعر نو مهارت داشت. همچنین در توصیف‌های دقیق شاعرانه بسیار توانا بود. نمونه‌ای از این توصیفات را در آثاری از او همچون «افسانه شب»، «هذیان دل» و «مولانا در خانقاه شمس» شاهد هستیم. قطعه «حیدر بابایه سلام» از معروف‌ترین آثار شهریار است. موفقیت این قطعه، زبان دل انگیز و رایج عامیانه است و اینکه از دل شاعر برآمده و با دلنشین‌ترین تعبیرات و تخیلات خاطره انگیز، از لطف و صفای ایام کودکی در دل طبیعت زیبا، حسی مشابه را در دل هر خواننده بیدار می‌کند.

#### ۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

اغلب شاعران و نویسندگان به مطالعه و تامل در آثار گذشتگان یا هم عصران خود پرداخته‌اند که حاصل آن برخورداری از این آثار، در جنبه‌های مختلف شعری بوده است. برای این برخورداری و استفاده‌های به جا و کاربردی از آثار دیگران، می‌توان اصطلاحاتی مانند تأثیرپذیری یا اشتراکات را به کار برد. این تأثیرپذیری یا مشترکات کلامی در موقعیت‌های گوناگون زبان، محتوا، لحن، وزن، قافیه و ... انجام می‌پذیرد.

در شعر معاصر فارسی بسیاری از شاعران با بهره‌مندی از ذوق و ابتکارات شخصی، دست به خلاقیت‌هایی زده‌اند که جلوه‌هایی بدیع در شعر ایجاد نموده و با استفاده به جا از این هنر و نوآوری، بر غنای آثار خود و جلب توجه عموم مردم افزوده‌اند. محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، و ایرج میرزا، ملقب به جلال الممالک، از جمله این شاعران موفق و نام‌آور هستند که علاوه بر قریحه ارزشمند خدادادی، از آثار دیگران نیز تأثیر پذیرفته‌اند؛ به خصوص شهریار که از سعدی، حافظ، ملک الشعرای بهار و نیما تأثیر پذیرفته است. در این پژوهش تأثیرپذیری و اشتراکات شعری او با ایرج میرزا، بر اساس نظریهٔ بینا متنیت ژولیا کریستوا مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

استاد شفيعی کدکنی می‌گوید: «شهریار دو شاعر ایده‌آل بیشتر نداشت: از قدما حافظ و از معاصران ایرج میرزا» (شفيعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۷۶) بدیهی است که این تأثیرپذیری‌ها و وجود مشترکات زبانی یا محتوایی در اشعار شاعران، بر قدرت کلام و اثرگذاری آن در مخاطب می‌افزاید.

در ادامه با معرفی اجمالی نظریهٔ بینا‌متنیت و بیان ویژگی‌های زبانی و محتوایی اشعار ایرج میرزا و شهریار، به بررسی روابط بین متنی این دو اثر می‌پردازیم.

### ۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

الف: به جهت درک تحول شعر معاصر فارسی: شهریار و ایرج میرزا هر دو از شاعران تأثیرگذار در دورهٔ گذر شعر فارسی از سبک کلاسیک به مدرن بودند. بررسی تأثیرپذیری شهریار از ایرج میرزا می‌تواند به درک بهتر روند این تحول و نقش این دو شاعر در آن کمک کند.

ب: شناخت بهتر سبک شعری شهریار: شهریار در سرودن انواع شعر از جمله غزل، قصیده، مثنوی و شعر نیمایی مهارت داشت؛ مطالعهٔ تأثیرپذیری شهریار از ایرج میرزا می‌تواند به شناخت دقیق‌تر منابع الهام و طراحی سبک شخصی شهریار کمک کند.

پ: بررسی تداوم و نوآوری در شعر فارسی: ایرج میرزا از پیشگامان تجدید در ادبیات فارسی بود؛ مطالعهٔ تأثیر ایرج میرزا بر شهریار می‌تواند نشان دهد چگونه نوآوری‌های ایرج میرزا توسط نسل بعدی شاعران مانند شهریار ادامه یافته است.

ت: مطالعهٔ تحول مضامین شعری: ایرج میرزا در سرودن اشعار با مضامین انتقادی، اجتماعی و تربیتی شهرت داشت؛ بررسی تأثیر او بر شهریار می‌تواند نشان دهد که چگونه این مضامین در شعر شهریار تداوم یافته و توسعه پیدا کرده است.

ث: درک بهتر زمینه‌های فکری و فرهنگی: مطالعهٔ تأثیرپذیری شهری از ایرج میرزا می‌تواند به درک بهتر فضای فکری و فرهنگی دوره‌هایی که این دو شاعر در آن می‌توانند کمک کنند..

ج: شناخت روابط ادبی و تأثیرات متقابل: بررسی این تأثیرپذیری می‌تواند به درک بهتر روابط ادبی و تأثیرات متقابل شاعران معاصر بر ترکیب کمک کند.

چ: ارزیابی نوآوری‌های شهریار: مقایسه شعر شهریار با ایرج میرزا می‌تواند به دقت دقیق‌تر نوآوری‌های شهریار و سهم او در تحول شعر فارسی کمک کند.

در مجموع، مطالعه تأثیرپذیری شهریار از ایرج میرزا می‌تواند به درک عمیق‌تر تاریخ ادبیات معاصر فارسی، تحول سبک‌های شعری و روابط بین نسل‌های مختلف شاعران کمک کند. این مطالعه همچنین می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر جایگاه و اهمیت هر دو شاعر در تاریخ ادبیات فارسی منجر شود.

## ۳-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون مقاله‌ای به صورت مستقل به مقایسه شعر شهریار و ایرج میرزا براساس نظریات بینامتنیت بیان ویژگی‌های زبانی و محتوایی پرداخته است؛ تنها کتابی که بخشی از آن به موضوع فوق اختصاص یافته، کتاب «با چراغ و آینه» از استاد شفیع کدکنی (۱۳۹۰) است و از جمله مقالاتی که به اشعار شهریار و ایرج میرزا پرداخته به شرح زیر است:

دوراندیش و قزلجه (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «جلوه‌های نوآوری در شعر ایرج میرزا» با رویکرد سبک‌شناسی فرم‌محور (فرمالیستی)، به بررسی جنبه‌های نوآوری و خالقیت در شعر ایرج میرزا پرداخته و در نتیجه آورده است که مهمترین و بیشترین نوآوری‌های ایرج میرزا در زبان شعر اوست؛ او به انعکاس دقیق زبان عامیانه عصر و همچنین لغات جدید فارسی و فرنگی در شعر خود پرداخته است تا پیش از آن در شعر فارسی بسیار کم سابقه بوده است. شعبانی (۱۳۹۵) در مقاله خود «بررسی تحلیلی تأثیرپذیری شهریار از ایرج میرزا» تأثیرپذیری شهریار از شعر ایرج میرزا به لحاظ زبانی و محتوایی مورد بررسی قرار داده و در نتیجه آورده است شهریار در بخش‌های غیررسمی شعرش در کاربرد برخی کلمات، اصطلاحات، مضامین عامیانه و شیوه بیان، از شعر ایرج تأثیر پذیرفته است. به لحاظ محتوایی اما با وجود برخی موضوعات مشترک، تفاوت‌های بنیادین در شعر دو شاعر وجود دارد.

خدیور و کاظمی مرام (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیرپذیری شهریار از حافظ» تأثیرپذیری شهریار از حافظ را در دو سطح کلی زبانی و فکری مورد توجه قرار داده و به این نتیجه رسیده است که شهریار سعی کرده اشعارش را تا حد ممکن شبیه به اشعار حافظ بسراید و در همه جای دیوانش به مدح و ستایش او می‌پردازد.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

## ۲-۱. محتوای شعر

مضمون و محتوای شعر، بازتاب موضوع است. هر شاعر یا نویسنده، شیوه‌ای برای بیان اندیشه، احساس و مقصود خود به کار می‌گیرد. این شیوه گاهی تصویرسازی است، گاهی لحن و گاهی استعاره و بهره‌گیری از نماد. آنچه به شعر به عنوان کلام هنرمندانه اعتبار و زیبایی می‌بخشد همین شیوه‌ها و روش‌ها است. محتوای شعر وابستگی مستقیم با تجربه‌های شاعر یا نویسنده دارد و نیز مضمون پردازش برای هر موضوع، وابستگی مستقیم به عنصر عاطفه - از عناصر پنجگانه شعری - دارد. نگاه خاصی که شاعر یا نویسنده به موضوع اثرش دارد، «محتوا یا مضمون آن اثر» است.

## ۲-۱-۱. محتوای شعر ایرج میرزا

ایرج میرزا که از شعرای مطرح و مشهور دوره مشروطه است، به دلیل جایگاه اجتماعی‌اش به عنوان یک شاهزاده قاجار و اوضاع حاکم بر جامعه آن روزگار، یک منتقد روابط اجتماعی است. «صدای اصلی مشروطیت»، بیشتر یا میهن پرستی است یا انتقاد اجتماعی و این دو صدا بیشتر در شعر ایرج و بهار دیده می‌شود: بهار از لحاظ میهن پرستی و ایرج به عنوان یک بورژوازی منتقد روابط اجتماعی. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۳۴) ایرج میرزا هیچگاه به مضامین پرطرفدار مشروطه مثل وطن پرستی و تاختن علیه طبقات حاکم نظام نپرداخت و حتی این مضامین را مورد تمسخر قرار می‌داد. با وجود اینکه تمایلات ترقی خواهانه در شعر او مشهود است اما چندان به نظام جامعه توجهی نداشته است. او هر چقدر در مسائل اجتماعی بی‌پروا بود، در مسائل سیاسی محافظه کارانه عمل می‌کرد.

ایرج میرزا اشعار زیادی در اخلاقیات و مضامین دینی دارد اما عمده شهرتش به خاطر سرودن اشعار طنز و هجویات اوست که یکی از محورهای معنایی شعر ایرج میرزا محسوب می‌شود. به جز مضامین طنزی-هجوی و مضامین انتقادی-اجتماعی، از دیگر محورهای معنایی شعر ایرج میرزا می‌توان به مضامین تفننی و مناسبتی، رگه‌هایی از این اندیشه خیامی، برخی مضامین لائیک (با وجود درون مایه‌های دینی در برخی از اشعارش) و مضامین تربیتی در کودکانها، اشاره کرد. (زرقانی، ۱۳۹۱: ۹۰)

در شعر ایرج میرزا با نوعی واقع‌گرایی و کم توجهی به برخی موضوعات مانند عشق و احساس مواجه هستیم. (هرچند شهریار در بیتی از شعری که بعد از مرگ ایرج میرزا برای او سروده، چنین می‌گوید:

مکتب عشق به شاگرد قدیمت بسیار  
شهریاری که در این شیوه شهر آمده است

(دیوان شهریاری: ۱۳۷۳: ۳۶۲)

با وجود اینکه در دیوان ایرج میرزا، یک قصیده در نعت پیامبر اکرم (ص)، دو قصیده در مدح حضرت علی (ع)، یک قطعه در رسای مصیبت کربلا و یک قطعه درباره بهشت و دوزخ آمده است، نمی‌توان او را شاعر دین‌مدار به حساب آورد؛ زیرا علاوه بر اینکه لحن این چند نمونه کاملاً عادی و پیش پا افتاده است و روح دین‌مداری در آنها دیده نمی‌شود، در کل دیوانش برخی مضامین لائیک نیز وجود دارد؛ مانند:

من هم گویم یزید بد کرد      لعنت به یزید بد کننده  
اما دگر این کتل متل چیست      وین دسته خنده آورنده

(ایرج میرزا، ۱۳۶۴: ۷۱)

ایرج میرزا در پاره‌های موارد، مذهب را علت ایجاد عقب ماندگی می‌داند و گاهی به صورت آشکار، دین و وطن را عامل فتنه می‌شمارد و هرگونه پایبندی به دین و وطن را بی معنا می‌خواند. او همه جهان را وطن انسان معرفی می‌کند و دلبستگی‌های دینی را از عوامل خونریزی و آشوب در جامعه می‌داند:

این دو اصل است که اصل فتن است	فتنه‌ها در سر دین و وطن است
دین تو موطن من یعنی چه؟	صحبت دین و وطن یعنی چه؟
همه جا موطن هر مرد و زن است	... همه کس را همه عالم وطن است
که کند خون مرا بر تو حلال	چیسست در کله تو این دو خیال

(همان: ۸۰)

موضوع پررنگ دیگری که شایسته است در این مبحث به آن اشاره شود، مضامین تعلیمی در شعر ایرج میرزا است. او معتقد است جامعه ایرانی نیازمند تغییر است و این تغییر ریشه در تعلیم و تربیت سازمان یافته در خانواده‌ها دارد. از جمله مضامین تعلیمی در شعر ایرج میرزا عبارتند از: نکوهش شراب‌خواری، تکریم مادر، مبارزه با ناهنجاری‌هایی مثل خرافه پرستی و رسومی مانند قمه زنی است.

او به موضوع زنان، لزوم حضور در فعالیت‌های اجتماعی و نقش مهم آنان در تعلیم و تربیت جامعه بسیار توجه نشان داده و نگرش‌ها و تعصبات مردسالارانه را نکوهش کرده است. در حوزه تعلیم و تربیت او جزو اولین شاعرانی است که به مسئله تعلیم و تربیت کودکان و حضور فعال زنان در جامعه پرداخته است. ایرج میرزا با مخاطب قرار دادن فرزندش سعی کرده نکات تعلیمی را بیان نموده و او را نصیحت کند. دیدگاه تعلیمی ایرج میرزا در این موضوعات حتی امروزه هم مهم و قابل توجه است. او آشنا کردن جوانان را با مسائل زندگی از وظایف و تعهدات خود می‌داند. (حائری، ۱۳۷۰: ۲۹۲)

ایرج میرزا در این شعر با زبان ساده و روان، سخرخیزی و پاکی را به فرزندش توصیه می‌کند:

هان ای پسر عزیز و دلبند	بشنو ز پدر نصیحت چند
زین گفته نصیحت تو جویم	پس یاد بگیر هرچه گویم
می‌باش به عمر خود سخرخیز	و از خواب سحرگهان بپرهیز
اندر نفس سحر نشاطی است	کان را باروح ارتباطیست

(ایرج میرزا، ۱۳۶۴: ۸۶)

## ۲-۱-۲. محتوای شعر شهریار:

بی‌قراری در زندگی شخصی و در کارنامه هنری شهریار از آغاز دیده می‌شود. سفرهای متعدد میان روستای دوران کودکی‌اش، روستای خشک‌ناب و شهر تبریز، تجربه بی‌سرانجام عاشقانه، ازدواج و زندگی با همسر (شاید ناگزیر!)، ترک تبریز و اقامت در تهران و بازگشت مجدد به تبریز، مهاجرت به مشهد و کارمندی در اداره دولتی - که مانند همه اتفاقات دیگر بر خلاف خواسته و عادت او بود - همه نشان دهنده این بی‌قراری است که شهریار را در تنگنای زندگی گرفتار کرده بود.

شهریار شاعری فراعادی است. او محدود به زمان خودش نیست و از شعرای کلاسیک پیش از خود الهام گرفته است. برای شاعری چون شهریار، موضوع و محتوا بهانه‌ایست ناچیز برای بیان هنرش. موضوع در اختیار هنر و قلم شهریار قرار داشت و به همین دلیل اهمیت چندانی برای او نداشت و در دیوان او شاهد پراکندگی موضوعی مواجه هستیم.

شهریار به شدت پاکی و صداقت، تحت تاثیر اطرافیان و دم‌خورانش واقع می‌شد؛ اگر مذهبی بودند «علی‌های رحمت» یا «افسانه شب» و «شب و علی» و مناجات‌های زیبایش را می‌گفت. اگر توده‌ای‌ها چندی دم‌خورش بودند «قهرمانان استالینگراد» را می‌سرود. اگر نیمایی‌ها بودند «دو مرغ بهشتی» را می‌سرود. اگر آذربایجانی‌ها بودند «حیدر بابایه سلام» می‌گفت. خلاصه مردی بود جاری و ساری با همه و هرچه هست و نیست و البته مهربان و خونگرم با همه. (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۱۴) به همین دلیل است که ادعا می‌شود شهریار شاعری فرازمانی بود که محدود به زمان خودش نیست.

آن‌چه از مطالعه شعر شهریار به دست می‌آید این است که او شاعری عاشق رمانتیسیم و کم توجه به مسائل اجتماعی است. او متعلق به طبقه متوسط جامعه بود که دوران اختناق رضاشاهی را درک کرده بود. (یکی از مسائل عمده و قابل مطالعه ادبیات عصر رضاشاهی، مسئله پیدایش شاخه‌ای از رمانتیسیم است و بعضی وجوه رمانتیسیم را در شعر نیما و پیروان او می‌بینیم.) شهریار در «افسانه شب» و «دو مرغ بهشتی» و... متأثر از همین رمانتیسیم است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۵۰)

موضوعات شعری شهریار، اندیشه‌های دینی و عواطف عاشقانه است و هیچ نشانی از هزل و طنز به چشم نمی‌خورد. بسیاری از غزل‌های شهریار موضوعات احساسی دارند که بیانگر عشق و احساس سرشار در وجود اوست. شعر او در اندیشه‌های دینی در قالب نیایش‌های موثر و دلدادگی‌هایی که مخصوصاً به حضرت علی علیه السلام از خود نشان داده کم نیست.



به طور کلی می‌توان گفت ویژگی‌های محتوایی شعر شهریار عبارتند از: اعتقاد به دین، شریعت و باورهای شیعی، برخورداری از حالات عرفانی، خیال‌گرایی، ارادت به اهل بیت و مدیحه سرایی آنان، عواطف عاشقانه و اندوه و حسرت بر گذشته.

## ۲-۲. زبان شعر:

برای بررسی و شناخت هر اثر ادبی علاوه بر توجه به معنا و محتوای آن، باید متوجه صورت ظاهری آنها هم بود. معنا و محتوا، لایه درونی شعر و دربردارنده پیام اصلی آن است؛ اما فرم و صورت بیرونی شعر، زبان آن شعر است؛ یعنی کلمات و واژه‌ها. بسیاری از ابتکارات و خلاقیت‌های شاعر به واسطهٔ گزینش خاص واژه‌ها صورت می‌گیرد. ضرورت هنری، شاعران را بر آن می‌دارد تا برای آنچه خود دیده و تجربه کرده‌اند به خلق ترکیب‌های زبانی تازه روی آورند. با یافتن ترکیب تازهٔ هر شاعر، می‌توان به شگردها و برجسته‌ترین ویژگی‌های ذهنی و فرهنگی - هنری او پی برد. (آجودانی، ۱۳۸۱: ۲۰۰)

## ۲-۲-۱. زبان شعر ایرج میرزا:

شعرای مشروطه بیشتر تلاش خود را معطوف به پیام و محتوای اثر می‌نمودند؛ اما به صورت ناخودآگاه و طبیعی در این دوره، زبان شعر و حتی عناصر شعری نیز دست‌خوش تغییراتی شد. به همین دلیل شعری که در زبان شعر خود، ابداعاتی ایجاد کرده بودند، در جامعه نقش پررنگ‌تری پیدا کردند. ایرج میرزا یکی از این دسته شعراست. او در کنار معنا و محتوا، به تحولات زبانی شعر نیز توجه داشت و سهم بزرگی در نوآوری زبانی شعر مشروطه را از آن خود کرد و همین امر وجه تمایز ایرج میرزا با شاعران هم دوره‌اش محسوب می‌شود.

فعالیت شعری ایرج میرزا، قابل بررسی در دو دوره یا در دو بخش است که به طور کلی در این دو بخش او می‌کوشد در آن‌ها روانی و سادگی کلام را رها نکند. دورهٔ اول فعالیت او مربوط است به زمانی که او شاعر دربار و مدیحه سرا بود و می‌کوشید زبانی فاخر که درخور مقام صدرالشعرايي او باشد به کار برد. او در این دوره فعالیت خود زبانی فاخر و ادبی دارد که به زبان ملک الشعراي بهار و ادیب الممالک فراهانی نزدیک می‌شود. در عین حال این بخش از اشعار او ساده و بلیغ هستند و کاربرد ترکیبات دشوار فهم در آن اندک است. (صارمی، ۱۳۸۶: ۵)

بنشین و شکر ریز از آن لعل شکر خند  
پیوند گسستن مه من آخر تا چند  
بایسته نباشد مگسل این همه پیوند

برخیز و سمن بار از آن زلف سمن بار  
میثاق شکستن بت من آخر تا کی  
شایسته نباشد مشکن این همه میثاق

(ایرج میرزا، ۱۳۶۴: ۲۴)

البته وقتی از گذشتگان تقلید می‌کند کلمات قدیمی و کهنه را نیز در شعرش به کار می‌برد که این امر باعث پایین آمدن بلاغت و شیوایی کلامش می‌شود. این گونه دیگر از زبان در شعر ایرج میرزا است؛ مانند:

چمو دولت شتابد بر در تو	تا چه یابی تو از آن پاداشن
عروس بخت او در دست دارد	ز اقبال و شرف دست آورنجن
تو باشی ناصب اعلام دولت	تو باشی جازم اعناق دشمن
زین همه ظلم که با من کردی	تا چه یابی تو از آن پاداشن
انجمن‌ها ز تو ویران گردد	هر شبی که انجمن آری ز پرن

(همان: ۵۷)

دوره دوم فعالیت ایرج میرزا-که می‌توان به آن دوره کمال شاعر گفت- زمانی است که سرد و گرم روزگار را چشیده و به مرحله آزادی رسیده و تیغ زبان را از نیم دهان بیرون کشیده است. او در این دوره با انتقادهای تند و تیز به اکثر رجال هم عصر خود حمله کرده و هشدار داده و وضع اجتماعی زمان را بیان کرده است.

اشعار او در این دوره جنبه هزل و طنز دارد که گاهی از حد عفت قلم خارج شده است. «یکی از معایب شعر ایرج، عیبی است که به هیچ روی نمی‌توان از آن گذشت و آن وجود معانی و مضامین رکیک در قسمتی از شعر او است.» (محبوب، ۱۳۴۴: ۴۲) عده‌ای هم او را شاعری آزاداندیش می‌دانند و به کارگیری بی پروایانه برخی از ترکیبات و واژه‌های دور از ادب را به صراحت لهجه او نسبت می‌دهند. نقطه اوج کار برد این هجویات را می‌توان در مثنوی «عارفنامه» او دید که برای هجو عارف قزوینی سروده است. به هر حال هر دو گروه ایرج میرزا را در شعرسرایی در سطح بالایی می‌دانند و در روانی گفتار او را بعد از سعدی به حساب می‌آورند. (ایرج میرزا، ۱۳۶۴: ۸)

دیوان او مانند باغی است که در گوشه و کنارش خس و خاشاک است که با کنار گذاشتن آنها می‌توانیم از دیدن گل‌هایش لذت ببریم.

ایرج میرزا در حوزه زبان، نوآوری‌هایی در شعر ایجاد کرده که نشان دهنده توانایی‌های او در این زمینه است. او ادبیات عامیانه و زبان مردم کوچه و بازار را برای شعرش برگزید تا به این ترتیب تعداد مخاطبانش را بالا ببرد. گاهی شعر او را علی رغم تسلط بر چندین زبان، به پیش افتاده‌ترین و عامیانه‌ترین شکل می‌بینیم:

گرچه در پنج زبان افصح ناسم دارند به علی من کرتم شیوه گفتار کنم  
(همان: ۸۶)

شاید تغییر شرایط مالی ایرج میرزا و فقر نسبی او در اواخر زندگی‌اش، از عوامل نزدیک شدن زبان او به قشر عوام باشد و این تحولات و دگرگونی‌ها، باعث تغییراتی در اشعار دوره اول و دوم زندگی او شده باشد. (اسدی، ۱۳۹۴: ۴۱)

او شخصیتی طنز پرداز و جسور داشت و همین ویژگی‌ها به او قدرت درهم شکستن حریم محترمانه فرهنگ و زبان را می‌داد؛ به قول شفیعی کدکنی: «زبان تحول یافته، اصلی‌ترین و قابل توجه‌ترین نوآوری در شعر ایرج میرزا است. ایرج عمیقاً به ضرورت تجدد در شعر فارسی پی برده بود و با نوعی نظریه ادبی تدوین نشده در جستجوی شکل دادن این تجدد بود و به درستی دریافته بود که نخستین قدم را باید در حوزه زبان شعر برداشت. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۶۹)

اگر دوره دوم فعالیت ایرج میرزا در حوزه شعر را دوره کمال او بنامیم باید گفت در این دوره، او کلمات و افعال قدیمی را کنار گذاشت و بیشتر از واژگانی استفاده کرد که تازه وارد زبان فارسی شده بودند.

ایرج میرزا در شعر خود زبانی را به کار برد که زبان زنده و رایج آن زمانه بود و به این ترتیب به الگوی شعرای بعد از خود تبدیل شد.

آثار ایرج میرزا در ظاهر، چهارچوب کلی و سنتی دارد اما درون شعرش بر خلاف سایر شاعران مشروطه، مانند بهار و ادیب الممالک - که افکار جدید را در همان فرم سنتی و الفاظ کهنه ارائه می‌دادند - تازگی‌های زیادی به چشم می‌خورد که پرننگ‌ترین آنها در حوزه زبان و در خصوص مفردات و واژه‌ها است.

او با جسارتی هنرمندانه هنجارهای رایج در سطوح صرفی، نحوی، واژگانی و معنایی را در هم می‌شکند. شعر او بیش از دیگران به زبان طبیعی نزدیک‌تر است. (صارمی، ۱۳۸۵: ۱)

او در دوره دوم فعالیت خود (دوره کمال) الفاضلی را به کار می‌گیرد که در بافت شعر کلاسیک و سنتی فارسی جای نمی‌گیرد و کاملاً تازه و امروزی است. اغلب این واژه‌ها، عامیانه و محاوره‌ای و برآمده از طرز گفتار و کلام طبقات عامه و توده مردم است. کلمات فرنگی (بیشتر فرانسوی) در شعر او نمود قابل توجهی دارد که در نتیجه ارتباطات او با روشنفکران و شاعران غربی است. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۹) او هرگاه به محتوای جدید و درون مایه‌های نو روی می‌آورد، زبان واژه‌هایی که به کار می‌برد نیز نو و جدید و تازه می‌شود. بنابراین می‌توان گفت در کلام ایرج میرزا بین واژه‌ها و مفاهیم جدید عصر و زمانه، ارتباطی متقابل وجود دارد. او

این کلمات تازه و نو را در قالب‌های سنتی غزل و قصیده به کار می‌برد. «از قضا در مواردی که به نظر می‌رسد اینگونه کلمات در شعر ایرج خوش ننشسته‌اند، همان مواردی است که قالب شعر، غزل یا قصیده بوده است و پیداست که چنین قالب و زبانی، انعطاف لازم و کافی را برای چنین کلماتی نداشتند.» (امین پور، ۱۳۹۰: ۳۲۵)

نمونه‌هایی از این کلمات جدید و نسبتاً غیر متداول در شعر ایرج میرزا:

یقہ ات پاک و کلاہت نو و سردست تمیز	عینک و دستکش و ساعت و پوتین در خور
نہ تلگراف بگردم برسد نہ تلفن	کہ خدا سرعت سیر دیگری دادہ مرا
ابتدا گردی ثبات و سپس آرشیویست	بعد منشی شوی و بعد رئیس دفتر
در کلوپ‌ها نتوان کرد همه وقت نشاط	در هتل‌ها نتوان برد همه عمر بہ سر

(ایرج میرزا، ۱۳۶۴: ۹۱)

گاهی ایرج میرزا دست به خلق ترکیباتی می‌زند که از نظر قواعد دستوری نادرست هستند و این خروج از هنجارها، از روش‌های ابداعی او محسوب می‌شود؛ البته او گاهی این ترکیبات نادرست را -که در بعضی موارد افعال را هم شامل می‌شود- عمدتاً و برای بالا بردن بار طنز شعرش استفاده می‌کند؛ مانند این نمونه‌ها:

کار امروزه من کار بدیست	کار انسان قلیل الخردیست
رشید القد، صحیح الفعل و القول	فتاده آن طرف حتی زلاحول
گفتم بہ جوانکی مفرنگ	کی در خم و چم بہ سان خرچنگ
نہ دیگر حبس می‌بینی نہ تبعید	نہ دیگر بایدت هر سو فرارید

(همان: ۹۵)

ایرج میرزا زبان طنز را دستمایه‌ای برای نفوذ بیشتر کلام و جذب اشعارش قرار داد. از ویژگی‌های ادبیات عصر مشروطه، رویکرد گسترده شاعران و نویسندگان به طنز است، اما زبان طنز و هزل ایرج کاملاً منحصر به خود اوست. (صارمی، ۱۳۸۶: ۱۲) این طنز با زبان صمیمی و ساده ایرج میرزا آمیخته شده و به دل خواننده می‌نشیند:

روزی بہ رھی مرا گذر بود	خوابیده بہ رہ جناب خر بود
از خر تو نگو کہ چون گھر بود	چون صاحب دانش و گھر بود
گفتم کہ جناب در چه حالی؟	فرمود کہ وضع باشد عالی

(همان: ۸۹)

کاربرد ضرب المثل‌ها هم در آثار ایرج میرزا در حد وسیع قابل توجه است؛ به گونه‌ای که در مثنوی «هدیه عاشق» که شامل ۱۹ بیت است بیش از ۴ مورد ضرب المثل به کار برده است:

خوانده بود این مثل آن مایه ناز	که نکویی کن و در آب انداز
نشده از گل رویش سیراب	که فلک دسته گلی داد به آب
عاشقان گر همه را آب برد	خوب رویان همه را خواب برد
دید آبیست فراوان و درشت	به نشاط آمد و دست از جان شست

(همان: ۷۲)

روانی و سادگی زبان و همه فهم بودن بیان ایرج میرزا، یک تحول ساختاری و از ابعاد نوگرایی در عصر مشروطه است. این ویژگی‌ها در دوره دوم فعالیت‌های او (دوره کمال) بیشتر در قالب‌های مثنوی و قطعه دیده می‌شود. او در این اشعار واژه‌ها را چنان کنار یکدیگر می‌چیند که کلامش به نثر نزدیک می‌شود. به همین دلیل است که پس از سعدی، کلام ایرج میرزا در سادگی و روانی در خور توجه است:

سر کوی تو باز سبز شوم	گر چو بیدم قلم قلم بکنند
افسارش از ابریشم و پالان زمخمل است	هر چند بدصداست ولیکن مجلل است

(همان: ۱۷۳)

## ۲-۲-۲. زبان شعر شهریار:

شهریار از شعرای نام آور معاصر است که در اندیشه و احساس خویش صداقت و سادگی یک انسان برخاسته از روستا را دارد و لطف سخن او چیرگی بی‌نظیرش در سرودن شعر به دو زبان فارسی و ترکی - آذری است. او در سرودن انواع شعر در قالب‌های غزل، قصیده، مثنوی، قطعه و شعر نو مهارت داشت. همچنین در توصیف‌های دقیق شاعرانه بسیار توانا بود؛ نمونه‌ای از این توصیفات را در آثاری از او همچون «افسانه شب»، «هذیان دل» و «مولانا در خانقاه شمس» شاهد هستیم. قطعه «حیدر بابایه سلام» از معروف‌ترین آثار شهریار است. موفقیت این قطعه، زبان دل انگیز و رایج عامیانه است و اینکه از دل شاعر برآمده و با دلنشین‌ترین تعبیرات و تخیلات خاطره انگیز از لطف و صفای ایام کودکی، در دل طبیعت زیبا، حسی مشابه را در دل هر خواننده بیدار می‌کند.

زبان شهریار در اشعارش تأثیری خاص به وجود می‌آورد. او از شعرای باسواد و فاضل بود که بدون داشتن تحصیلات در رشته ادبیات، شناخت کافی از فنون ادبی داشت. از طرفی عاشقی پاکباز و شیدا صفت بود که فراز و نشیب و کام و ناکامی‌های زیادی در زندگی خود

دیده بود. از سوی دیگر شهریار انسانی با معرفت، موحد و با ایمان بود و از صفای قلب و وارستگی فطری بهره داشت و در نهایت اینکه در زبان و مضمون شعر از شاعران بزرگ پیشین مانند نظامی، سعدی و به ویژه حافظ تاثیر پذیرفته بود و نیز در حوزه زبان کلامی صاف و ساده و آسان و نزدیک به زبان توده مردم داشت که در این شیوه، شعر ایرج میرزا سرمشق او بوده است. (مقدمه دیوان شهریار، ۱۳۷۳: ۴۸)

شهریار در مقدمه دیوان اشعارش می‌گوید: «سبک ساده، سبکی است که می‌کوشد شعر را با حرف زدن معمولی مردم تطبیق بدهد. این سبک باید به اسم مرحوم ایرج میرزا، جلال الممالک، تخصیص داده شود که قدرت بیان عجیبی دارد مخصوصاً دو شاهکار «عارفنامه» و «زهره و منوچهر» او که در نوع خود بی نظیر است.» (همان: ۸۲)

شهریار با زبان ایرج میرزا و اندیشه حافظ شعر می‌گفت و به خصوص غزل‌های شورانگیزش هم در محیط ادب و هم در کوچه و بازار شهرتی یافت. او با وجود تاثیر پذیری از حافظ، زبان شعری‌اش را به روز نگه داشت و این در نوع خود، هنری مختص شهریار است. زبان او در سرودن، زبانی روان و فصیح است.

برای شهریار زبان، تنها وسیله است برای بیان احساسات و آشکارسازی واکنش‌هایش به رویدادهای زندگی. شهریار شعر را همچون منشوری در برابر نور زبان می‌گرفت تا زیبایی‌های زبان را بر خود و خواننده کشف کند. زبان، زمینه و غایت شعر شهریار است. (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۱۴) توجه به بعد تاریخی زبان و شیفته گذشته بودن، در بسیاری از اشعار شهریار آشکار است. او شیفته حافظ است و غزل‌های بسیاری در استقبال از غزل‌های حافظ سروده است و همچنین بسیاری از شعرهای شهریار در وزن، قافیه، صور خیال و مضمون تکرار شعرهای حافظ است. شهریار «صورت نوعی» شاعر است. صورت نوعی شاعر، شاعر مادرزاد است. جهان او را به عنوان زبان گویای خود برگزیده است. بنابراین زبان را برای نشان دادن زیبایی خود زبان بشری به کار می‌گیرد. (براهنی، ۱۳۷۴: ۱۶۴)

در زبان شهریار، آواها، تکرارها و صور خیال همه و همه برای آفرینش حقیقت شعری به کار گرفته می‌شوند که آن هم برگرفته از واقعیت‌های زبانی است و موجب زیبایی در سخن می‌شود.

سادگی زبان در شعر شهریار به حدی است که بعضی بیت‌های او در یک غزل، هم ارزش بیت‌های دیگر شعر بلندش نیست. گاهی برخی از دوستان شهریار، از جمله هوشنگ ابتهاج، بابت طولانی بودن اشعار به او تذکر می‌دادند که لزومی ندارد برای هر کلمه هم قافیه شعرش، بیتی بگوید که از نظر ارزش، هم‌تراز سایر ابیات فاخر شعرش نیست؛ هر چند از این نظر مورد

عیب جوایی دیگران بود اما واقعیت این است که شهریار برای بیان احساسات حقیقی‌اش به زبان ساده، از خطر کردن هراسی نداشت و همین دل به دریا زدن اوست که به غزلهای ساده‌اش امتیاز ویژه می بخشد.

زبان شعر نزد شاعران، ابزاری است که به کمک آن، تصاویر و مفاهیم ذهنی خود را بیان می‌کنند. زبان شعری شهریار زبان صمیمی است که با ادب عامه پیوند قابل توجهی دارد. او گنجینه‌ای از اصطلاحات و عبارات فارسی و ترکی در اختیار دارد که آنها را در جای جای سخنش ماهرانه به کار برده است. نزدیکی زبان شهریار به ادبیات عامه باعث شده که کاربرد ترکیبات عامیانه در شعر شهریار از بسامد بالایی برخوردار باشد؛ مانند این اصطلاحات: دکان تخته کن، پا به پا کردن، پشت گوش انداختن، بادمجان بم آفت ندارد، چندرغاز، ور افتاده و... به کارگیری این اصطلاحات نه تنها از ارزش کلام شهریار نکاسته، بلکه پیوندی جالب توجه میان کلام فاخر ادبی و زبان عامه مردم برقرار کرده است.

می‌توان گفت زبان شهریار از حیث صمیمی بودن و پیوند با ادبیات عامیانه، نزدیکی زیادی به زبان ایرج میرزا دارد. هرچند بسیار تحت تاثیر حافظ و سعدی بوده و به قول خودش (در مقدمه دیوانش) دیوانه‌وار به استقبال حافظ رفته و بیش از ۱۰۰ غزل در استقبال از غزل‌های حافظ سروده است اما در قلمرو زبان شعر، در حوزه واژه‌ها، مضامین عامیانه و برخی از کنایات، بیش از آنکه از حافظ تاثیر گرفته باشد از ایرج الهام گرفته است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۷۶)

### ۳. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده و با تحلیل زبان و محتوا در اشعار ایرج میرزا و شهریار مشخص شد که روابط بین متنی بین اشعار این دو شاعر فقط در بخشی از حوزه زبانی مطرح است. هر دو، زبانی ساده، همه فهم و نزدیک به زبان توده مردم را در کلام خود مورد توجه داشتند. علاوه بر آن، در خصوص واژه‌های به کار رفته در آثار این دو شاعر، موارد مشابهی وجود دارد که نشان‌دهنده تاثیرپذیری شهریار از ایرج است. به جز سادگی زبان و برخی واژه‌های عامیانه که در کلام دو شاعر مشابه هستند، در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت زبان شهریار نسبت به ایرج میرزا بسیار فاخرتر، ادبی‌تر و در بسیاری از اشعار جدی‌تر و رسمی‌تر است و به کار بردن لفظ «اشتراکات زبانی» مناسب‌تر از «تاثیر پذیری زبانی» به نظر می‌رسد. در حوزه محتوا اشتراکات و تاثیرپذیری چندانی در اشعار شهریار نسبت به ایرج میرزا دیده نشد؛ زیرا مضمون اصلی شعر ایرج میرزا روی آوردن به تمدن جدید و ضدیت با خرافات سنتی است. همچنین در اشعار تعلیمی‌اش نیز نهایتاً اصلاح فکری جامعه را در نظر دارد. در

صورتی که عواطف عاشقانه و اندیشه‌های دینی، درون مایه اصلی شعر شهریار است. هرگاه جنون عاشقی به سراغش می‌رود از آن استقبال می‌کند. به همین دلیل شعر او چالش پذیرتر است. همچنین از هزلیات و هجویات شعر ایرج میرزا در کلام شهریار موردی به چشم نمی‌خورد.

در کل شهریار به جز موارد اندک زبانی، تاثیرپذیری چندانی از ایرج میرزا نداشته و رابطه بینامتنی آثار این دو شاعر فقط در بخشی از حوزه زبانی مطرح است که در این خصوص، تاثیر هم عصری دو شاعر و همچنین تاثیر زبان رایج در اجتماع نیز نباید از نظر دور بماند.





## کتابشناسی

- آجودانی، ماشالله (۱۳۸۱)، *یا مرگ یا تجدد*، تهران: اختران.
- آرین پور، یحیی (۱۳۸۲)، *از صبا تا نیما*، تهران: زوار.
- احمدی، بابک (۱۳۷۲)، *ساختار و تحویل متن*، تهران: نشر مرکز.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۶۹)، *بدایع و بدعتها و عطا و لقای نیما یوشیج*، تهران: بزرگمهر.
- امین پور، قیصر (۱۳۹۰)، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، تهران: علمی و فرهنگی.
- ایرج میرزا (۱۳۶۴)، *دیوان اشعار*، تهران: گلی.
- بهجت، محمدحسین (۱۳۷۳)، *دیوان اشعار*، دو جلدی، تهران: زرین و نگاه.
- براهنی، رضا (۱۳۷۴)، *گزارش به نسل بی سن فردا*، تهران: مرکز.
- حائری، سیدهادی (۱۳۶۶)، *افکار و آثار ایرج میرزا*، تهران: جاویدان.
- حائری، سیدهادی (۱۳۷۰)، *گنجینه ذوق و هنر ایرج*، تهران: جهان نما.
- زرقانی، مهدی (۱۳۹۱)، *چشم انداز شعر معاصر ایران: جریان شناسی شعر ایران در قرن بیستم*، تهران: پایتخت.
- سخنور، جلال و سبزیان مرادآبادی، سعید (۱۳۸۷)، «بینامتنیت در رمان پیتر آکروید»، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۵۸، صص ۶۵-۷۸.
- شریفی، محمد (۱۳۹۰)، *فرهنگ ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ نشر نو.
- شعبانی، بهرام (۱۳۹۵)، *بررسی تحلیلی تاثیرپذیری شهریار از ایرج میرزا، نخستین همایش ملی ادبیات غنایی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *با چراغ و آینه در جستجوی ریشه های تحول شعر معاصر ایران*، تهران: سخن.
- صارمی، سهیلا (۱۳۸۶)، «کارکرد زبان در شعر ایرج میرزا»، *زبان و زبانشناسی*، دوره سوم، شماره ۶، صص ۸۳-۱۰۲.
- عربی، سجاد و غلامی، حمیدرضا (۱۴۰۰)، «نظریه بینامتنی در حوزه نقد عربی»، *مطالعات نقد ادبی*، دوره ۱۶، شماره ۵۰، صص ۲۴۹-۲۶۸.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، *سبک شناسی: نظریه ها، رویکردها و روش ها*، تهران: سخن.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *تحقیق در احوال و افکار و آثار و اشعار ایرج میرزا و خاندان او*، تهران: اندیشه.

مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه: مهران مهاجر و محمدنبوی، تهران: آگه.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۲). *جویبار لحظه‌ها: جریان‌های ادبی معاصر ایران*، تهران: جامی.

نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت*، تهران: سخن.

نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۴). *بینامتنیت یکی از مهمترین نظریات ادبی-فلسفی قرن بیستم*، مصاحبه

با خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ شهریور ۱۳۹۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Investigating the extent of Shahriar's poetry influenced by Iraj Mirza's poetry Based on Julia Kristeva's Intertextuality Theory

Nazanin Ehsani

١. Assistant Professor in Persian language and literature, educational groups, Shahid Bahnar, Campus and Imam Sajjad (AS) Campus, Birjand, Iran. Email: [nazaninehsani\\_190@yahoo.com](mailto:nazaninehsani_190@yahoo.com)

---

### Article Info (۴۷-۶۵)

### ABSTRACT

<p><b>Article type:</b> Research Article</p> <p><b>Article history:</b></p> <p>Received: ۲۳/۰۴/۲۰۲۴</p> <p>Accepted: ۲۰/۰۷/۲۰۲۴</p> <p><b>Keywords:</b> Contemporary poets Modern poetry Constitutional era poetry Language Content</p>	<p>With an artistic audacity, Iraj Mirza has transformed the principles of poetry at various linguistic and content levels and created a special atmosphere in poetry, whose influence is observed in subsequent poets' poetry, including Mohammad Taghi Behjat (Shahriar). Given the importance of Shahriar, as one of the prominent contemporary poets, and Iraj Mirza, as one of the renowned poets of the Constitutional era, examining the poetry collections of these two great poets to discover common linguistic and content features is of utmost importance. This research aims to investigate the extent of Iraj Mirza's influence on Shahriar's poetry based on Julia Kristeva's intertextuality theory, focusing on linguistic and content commonalities using an analytical-descriptive method. The findings indicate that Shahriar's poetry predominantly contains religious content, and considering this aspect, there is no significant commonality in the content of the two poets' works. However, commonalities are evident in terms of vocabulary, colloquial expressions, and, in some instances, style.</p>
---	--

---